

ریچارد براتیگن

صید قزل آلا در آمریکا

ترجمه‌ی

هوئشیار انصاری‌فر



نشرنی

براتیگن، ریچارد، ۱۹۳۵ - ۱۹۸۴ م
صید قزل آلا در آمریکا / ریچارد براتیگن؛ ترجمه‌ی هوشیار
انصاری‌فر. - تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۲۰۵ ص.

ISBN 964-312-800-8

Trout fishing in America.

عنوان اصلی:

چاپ قبلی، نشر چشمه، ۱۳۸۳.
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات قیبا.

۱. داستانهای آمریکایی - قرن ۲۰ م. الف. انصاری‌فر، هوشیار،
مترجم. ب. عنوان.
۹ ص ۱۶ ر / PS ۳۵۰۵
۱۳۸۵

۸۱۳/۵۴

م ۸۲-۱۶۹۸۴

کتابخانه ملی ایران



نشر نی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷
تلفن: ۵۹ و ۸۸۰۰۴۶۵۸، صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵
www.nashreny.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲
تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۶۴۹۸۲۹۴
کتابفروشی: خیابان کریم‌خان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹
تلفن ۸۸۹۰۱۵۶۱

Richard Brautigan

ریچارد براتیگن

Trout Fishing in America

صید قزل آلا در آمریکا

ترجمه‌ی هوشیار انصاری‌فر

• چاپ اول ۱۳۸۵ تهران • تعداد ۲۲۰۰ نسخه • لی‌توگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-800-8

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۸۰۰-۸

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

یادداشت ناشر

اگر تا به حال به ماهیگیری نرفته‌اید، اگر تا به حال قزل‌آلا صید نکرده‌اید، صید قزل‌آلا در آمریکا نوشته‌ی ریچارد براتیگن را بخوانید تا همراه با ماهیگیری، نقد رادیکال و هجو بازیگوشانه‌ی جامعه‌ی آمریکا را نیز صید کنید. براتیگن از برجسته‌ترین نویسندگان نسل بیت (و نه سبک بیت) آمریکا است و می‌توان گفت که صید قزل‌آلا در آمریکا حتا در قیاس با دیگر آثار خود نویسنده و آثار دهه‌های بعدی سایر نویسندگان، از شاخص‌ترین و رادیکال‌ترین نمونه‌های تولید ادبی پست‌مدرن است. به گفته‌ی یکی از منتقدان ادبی هم عصر انتشار کتاب، براتیگن در صید قزل‌آلا در آمریکا دست به آفرینش ژانری یک‌سره نو می‌زند، چندان که می‌توان انتظار داشت مردم در آینده‌ای نه‌چندان دور «براتیگن بنویسند» همان‌گونه که امروز «رمان می‌نویسند».

به صورت سپاس نامه

بسم من فی لطفه ندیم. من می‌بابت در سال ۷۳ با اسم ریچارد براتیگن و صید قزل‌آلا آشنا شده باشم. شماره‌ی بیست و پنجم فصل‌نامه‌ی هنر، تابستان ۷۳، در مقاله‌ای به اسم «مدرنیسم، آنتی مدرنیسم و پست مدرنیسم»، نوشته‌ی دیوید لاج و ترجمه‌ی سوسن سلیم‌زاده. از آن‌جا که صاحب این قلم هرگز در زمره‌ی خوانندگان علاقه‌مند دیوید لاج نبوده، حتا در آن ایام، باید این حسن‌آشنایی را کاملاً «تصادفی» تلقی کرد. روزی، به نظرم از همان روزها، در کارگاه شعر و قصه که عضو ش بودم سه چارسال، از رضا براهنی حرف‌های مختصری درباره‌ی براتیگن شنیدم. و یک جلسه هم، شاید همان جلسه، همو تعدادی از شعرهای براتیگن را برای تعدادی از اعضای کارگاه فرائت و - شفاهاً - ترجمه کرد. کتابی هم به نام نظریه‌ی رمان، البته در سال ۷۴، از جانب نشر نظر منتشر شده بود، نوشته‌ی دیوید لاج و دیگران، با ترجمه‌ی حسین پاینده. متأسفانه این کتاب را که در مقاله‌ی دیگری از همان لاج به اسم «رمان پست مدرنیستی»، اشارات نسبتاً مفصّلی داشت به براتیگن و صید قزل‌آلا، من ندیدم تا سال ۷۷، که به نظرم ترجمه‌ی صید را دیگر دست گرفته بودم.

از تمام این بزرگواران سپاسگزارم که در آن ایام قریب (عصر به نسیان سپرده‌ی عسرت رسانه‌های الکترونیک و غیرالکترونیک) طرح تاریک روشنی از سیمای مختصر ریچارد براتیگن و کتاب شگفتش برای من ترسیم کردند.

چاپ به‌نسبه تازه‌ای که امروزه گویا نسخه‌ی رایج صید است، و به لطف رضا براهنی آن را در

اختیار دارم، علاوه بر یک مورد جاافتادگی، در ابتدا و انتهای کتاب هم عبارت‌هایی علاوه بر نسخه‌ی چاپ اول دارد و چون که اصلاً این چاپ پس از مرگ نویسنده‌ی کتاب در ۱۹۸۴ منتشر شده، در ۱۹۸۹، ما در این چاپ فارسی قید آن عبارت‌ها را به کلی زدیم و بر صراط ۱۹۶۷ خودمان مستقیم ماندیم.

اما نسخه‌ی نادری که این ترجمه از آن فراهم آمده متأسفانه امروز بر اثر کثرت تورق فرسوده و تقریباً نابود شده است. این نسخه‌ی چاپ اول را من در اوایل دهه‌ی هفتاد از یک فروشنده‌ی کتاب‌های دسته‌دوم خریدم. و گمان می‌کنم از همان روزهای اول به صرافت ترجمه افتاده باشم، و حنا چه بسا تا سال ۷۶ و ۷۷ بخش‌هایی را عملاً ترجمه کرده باشم. و به‌رحال کار بر روی دست‌نویس اولیه با مداد، عمدتاً برمی‌گردد به همان سال ۷۷. با وقته‌هایی از سر ناگزیری. از چند روز تا چند هفته. و البته به کندی، خیلی به کندی. در ساعات اداری، در ایام کاری هفته، در گوشه‌ای از دفتر کار الهه مهیمن.

در همان سال ۷۷ «شرح جلد صید...» همراه مقاله‌ای از کرگ تامسن در معرفی نویسنده‌ی صید به ترجمه‌ی این قلم در یکی از شماره‌های روزنامه‌ی جامعه درآمد، به لطف علی‌رضا محمودی و لیلی فرهادپور.

بعد فصل‌های «باله برای صید...» و «یک برک‌ی والدن...» در بخارای ۴، بهمن و اسفند ۷۷، ص ۹۰-۹۶، همراه مقدمه‌ی آن روزهای مترجم بر کتاب که بنا بود عنقریب چاپ شود! به لطف رضا سیدحسینی و علی دهباشی.

و فصل‌های «لب قرمز» و «یک روش دیگر برای...» و «مطلمی به نهر گرایدر» در گلستانه‌ی ۴، نوروز ۷۸، ص ۱۴-۱۵، به لطف مسمود شهامی‌پور.

و بعد فصل «اتاق ۲۰۸ برای...» در راوی (روایت چهارم: عشق)، نقش خورشید، چاپ اول، مرداد ۸۰، ص ۶۱-۶۵. به لطف رضا مختاری و حامد یوسفی.

و کمی بعد فصل‌های «پیغام» (۲) و «تروریست‌های صید...» و «صید قزل‌آلا در آمریکا با اف.بی.آی.» و «ارسال صید قزل‌آلا در آمریکا کوتوله...» و «شهردار قرن بیستم» در عصر پنج‌شنبه‌ی ۳۵ و ۳۶، آبان ۸۰، ص ۶۱-۶۵، همراه گفت‌وگوی امیرحسین کریمی با مترجم، به لطف حامد یوسفی و شهریار مندنی‌پور.

و سرآخر تجدید نظرشده‌ی «شرح جلد صید...» در روزنامه‌ی شرق، ۶ خرداد ۸۴، ص ۵. به لطف مهدی یزدانی خرم و احمد غلامی.

این‌ها مواردی است که خاطرم مانده از چاپ فصل‌هایی از صید، و جزئیات را هم به لطف حسین شمس و کاوه کوثری توانستم بنویسم.

شاید در آینده‌ای دور یا نزدیک، برخی مقایسه‌ها میان نسخه‌ای که متن حاضر است و لابد نسخه‌ی نهایی، با نسخه‌های یادشده، دست‌کم برای همین مترجم توجیه کند، یا نکند، این سال‌ها به تأخیر انداختن و به نتیجه نرسیدن را. غرض البته اوقاتی است که یا ترجمه‌ی صید به سر شد، و رنه دست‌کم چهار پنج سال این دست‌کم هفت هشت سال چنان گذشت که البته گذشت، و نه به صید قزل‌آلا یا چیز دیگر.

و تبعات متأسفانه ناخوشایند بازخوانی‌ها و تجدیدنظرها طبق معمول سنواتی گریبانگیر شماری از دوستان مهربان بود.

تقریباً به ترتیب زمانی: حسن محمودی، علی بهرامیان، و حامد یوسفی که علاوه بر هزار و یک کمک دیگر یکی دوبار متن را از ابتدا تا انتها خوانده و نظراتی داد، هوشنگ الله‌وردی، فاطمه پیدمشکی، مازیار اسلامی، و مهدی نوید که تا همین دم‌های آخر خواننده‌ی نکته‌سنج و پشت پناو امنی‌ست برای این ترجمه، فرشاد فزونی و لیدا کاووسی و البته قدسی انصاری فر، و کاوه کوثری، که در دو نوبت جمعاً پنجاه شصت روزه میزبان این ترجمه شد، و شهرام محمدی، و متین غفاریان. و داود مرادی و رضا مهاجر و کیوان طهماسبیان و فرزاد طبایی. و آناهید ماگویی‌س‌زاد و افسانه روش، که حداکثر ممکن حمایت را بذل کردند، و افشین جهان‌دیده، که سخنانش گاه بی‌گانه‌مایه‌ی قوت این دست‌خسته بود. و می‌توانم آیا اسم ببرم از کاوه سیدحسینی که بخش‌هایی از ترجمه‌ی فارسی صید را با ترجمه‌ی فرانسه‌ی آن مقابله کرد، و از هوشنگ گلشیری که از سر لطفی خود انگیزه در نسخه‌ی دست‌نویس نظر کرد و نظراتی داد و یا از سیامک مولوی، انوشیروان گنجی‌پور، سمرا آذرنوش، فرزانه قادری، جیران مقدم، و علی ملائکه و دیگران که در فهم بهتر برخی واژگان تخصصی و بعضی ریشه‌شناسی‌های انگلیسی و غیرانگلیسی به کمک این مترجم آمده‌اند و از احمد اخوت که در پیچه‌هایی از دانش کم‌نظیر انگلیسی خود را به روی من باز کرد یا فرهاد فزونی که سیمای این ترجمه از صید قزل‌آلا در آمریکا امضای او را پای خود دارد؟

... و اما ترجمه‌ی فارسی صید قزل‌آلا در آمریکا یک سرگذشت دیگر، یک سرگذشت شفاهی

هم دارد.

از همان ۷۷ که در حال کار بر روی نسخه‌ی اولیه‌ی این متن بودم، سطرهای ریز و درشتی از آن را بارها بر بسیاری از نویسندگان و اهل فرهنگ و هنر این سال‌ها خوانده‌ام. فهرست طبعاً عریض و طویل این بزرگواران، که بسیاری از آن‌ها در زمره‌ی عزیزترین دوستان من‌اند، در حوصله‌ی همین یادداشت طبعاً می‌گنجد، که صورت سپاس‌نامه‌ای دارد.

از آن‌جا که در همین یادداشت، به اتکای حافظه، چهار پنج مورد از موارد انتشار فصل‌هایی از صید در مطبوعات ردیف کردیم، پشت سر آن موارد نمی‌شود دست‌کم این یک مورد را ذکر نکنیم، که هوشنگ گلشیری با دربرده‌ی ابهام‌رفتن تاریخ دقیق انتشار ترجمه‌ی کامل صید قزل‌آلا در آمریکا، از طریق شهریار وقفی‌پور خبرم کرد و تلفن که زدم ازم خواست ترجمه را در اختیار حلقه‌ی دوستان کارنامه بگذارم که پیش از چاپ بخوانند. طبیعی بود که امتثال امر کردم و پس از آن که به من اطلاع داد که رونوشتی از آن تهیه کردم و دوستی خوانده و دوست دیگری در حال خواندن است، و دوست دیگری هم در انتظار نوبت خواندن، اگرچه ناشر کتاب درست معلوم نبود و ترجمه هم به‌نظر خودم هنوز خیلی خام بود و نگرانی‌های دیگر هم بود، نظر به منزلت و اعتبار هوشنگ گلشیری و دوستان که عضو آن حلقه، باز هم امتثال امر کردم و اگرچه چهارسال پس از درگذشت گلشیری، از آن نسخه که پادم هست از اولین مجلدات کتابخانه‌ی تازه‌تأسیس کارنامه بود، نه در دفتر کارنامه نشانی مانده، علی‌قول شهریار وقفی‌پور، نه در دفتر و خانه‌ی گلشیری علی‌قول فرزانه طاهری، و نه در هیچ مکان معلوم دیگری، امروز ذره‌ای از آن امتثال امر که کردم پشیمانی نمی‌کنم.

و چگونه اسم نبرم از فرزانه طاهری و اسد امرایی که کمک‌ها کردند و دومی فقط به‌خاطر رفاقت با این مترجم بود شاید که مترجم دیگر صید قزل‌آلا در آمریکا نشد؟

به‌قول مرشد کتاب‌فروش فصل «دریا، دریاسوار» این کتاب: «بخشیش، بله، یک بخشش همین است» برای خبردارشدن از یکی دو دین داننده‌ی دیگر، خواننده اگر خواست مراجعه می‌کند به: www.zendehjoob.persianblog.com و «ماجرای شگفت‌انگیز و باورنکردنی صید صیاد به دست طعمه» را می‌خواند. به قول شاعر:

از رود برات ار قزل‌آلا خواهی زنهار که صید قزل‌آلا نشوی